

آثار رعایت حقوق دیگران در اعتدال جامعه و الگوی مصرف

محمد امامی

عضو هیأت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

چکیده

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۰/۹ - تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۱/۳

رعایت حقوق دیگران مبتنی بر شناخت درست حقوق رهبری و مردم بوده و از جمله عواملی است که در اعتدال جامعه و اصلاح الگوی مصرف، تأثیر بسزایی دارد. نویسنده در این مقاله با استناد به پاره‌ای از آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام، آثار فردی، اجتماعی و اقتصادی این مقوله را بررسی کرده و نتیجه گرفته که بی‌توجهی به آن می‌تواند ثبات و انسجام جامعه را تهدید کند.

کلید واژه‌ها: الگوی مصرف، اعتدال، رعایت حقوق، انگیزه الهی، اقتصادی.

مقدمه

اعتقادی و هم در عوامل اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد، اصل رعایت حقوق دیگران است. چنانچه در الگوی ارائه شده رعایت حقوق دیگران، جایگاه مناسبی داشته باشد، انسان‌ها نیز همان ویژگی‌ها را در خود ایجاد می‌کنند و چنانچه مورد غفلت واقع شده باشد، جامعه و افراد آن

انسان در رفتار فردی و اجتماعی خود همواره از الگوهای پیروی می‌کند که از عوامل مختلفی متأثرند. عوامل تأثیرگذار بر این الگوها عبارت‌اند از عوامل اعتقادی، اقتصادی، فردی و اجتماعی. یکی از این عوامل که می‌تواند هم در ضمن عوامل

نیز به نقض حقوق دیگران پرداخته، در نتیجه متحمل عوارض ناشی از آن می‌گردند. در آموزه‌های اسلامی بر ارائه الگویی جامع که بتواند در راستای تحقق بخشیدن اهداف بلند و آرمان‌های مترقی آن مفید باشد، تأکید فراوان شده است.

رعایت حقوق و جایگاه آن در اصلاح الگوی مصرف

از نظر آموزه‌های دینی مصرف صحیح منحصر در این نیست که مقدار هزینه با میزان درآمد مناسب باشد و با توجه به شرایط اقتصادی فرد و جامعه تنظیم شود، بلکه عناصری دیگر نیز در شکل‌گیری آن دخالت دارد. رعایت حقوق دیگران از جمله عوامل تشکیل‌دهنده این الگو در جامعه اسلامی است.

خداوند به عنوان آفریننده^۱، پرورش‌دهنده^۲ و روزی‌دهنده انسان^۳، حقوقی بر گردن انسان دارد، که انسان مؤمن لازم است در ادای آن‌ها متوجه و کوشا باشد. توجه به این حقوق از اولین

۱. بنگرید به: بقره/۲۱، نساء/۷۷، اعراف/۱۸۹، روم/۲۰ و...

۲. آل عمران/۴۹، انعام/۱۳۴ و...

۳. بنگرید به: بقره/۱۹۶، آل عمران/۷۳ و...

نشانه‌های ایمان است و در یک جامعه ایمانی از جایگاه والایی برخوردار است. بنابر این در اصلاح الگوی مصرف، توجه به حفظ و رعایت این حق یک ضرورت است؛ زیرا در صورت نادیده گرفتن آن، اساس اصلی جامعه که رابطه با منشأ هستی است، خدشه‌دار می‌شود و افراد و جامعه دچار آسیب خواهند گشت. امام سجاد (علیه السلام) ضمن تقسیم حقوق به چندین قسم، می‌فرماید: «فأكبر حقوق الله تبارک وتعالی علیک ما أوجب علیک لنفسه من حقه الذی هو أصل الحقوق»^۴؛ از بزرگ‌ترین حقوق خدا که بر شما واجب نموده حقوقی است که برای خودش بر شما وضع نموده که اصل حقوق همان است.

از دیگر انواع حقوق که لازم است در جامعه متمدن رعایت گردد، حقوق متقابل مردم و حاکمیت است که رعایت آن از اولین شرایط تشکیل یک جامعه نظام‌مند است. حضرت امیر (علیه السلام) می‌فرماید: به سبب این که من ولی امر شمایم، خداوند بر شما حقوقی وضع نموده و برای شما نیز حقوقی همانند حق من قرار داده است. سپس درباره این حقوق، جایگاه و آثار آن

۴. صدوق، الخصال، ص ۵۶۵.

می فرماید:

«وأعظم ما افترض سبحانه من تلك الحقوق حقّ الوالی علی الرعیة وحقّ الرعیة علی الوالی فریضة فرضها الله سبحانه لكلّ علی كلّ»^۱.

نوع سوم، حق افراد جامعه بر یکدیگر است که امیرمؤمنان در مورد جایگاه والای آن و ارتباطش با حقوق خداوند می فرماید: «من واجب حقوق الله علی العباد النصیحة بمبلغ جهدهم، والتعاون علی اقامة الحق بینهم»^۲؛ از انواع حقوق خداوند بر مردم این است که آن‌ها در حد توانشان به دنبال خیرخواهی بوده و نیز در حد امکان برای اعمال حقوق با یکدیگر همکاری نمایند. این جمله از اهمیت فراوان اعمال حق در میان مردم حکایت می کند؛ زیرا حضرت آن را از مصادیق حق خداوند برمی شمارد و در جای دیگر در مورد اهمیت و جایگاه حق خدا بر مردم می گوید که حق خداوند بزرگترین و با اهمیتترین حقوق است.^۳

در حقوق مالی چه بسا مقدار و شرایط آن مشخص شده است؛ مانند خمس^۴، زکات^۵ و زکات فطره. امام صادق علیه السلام می فرماید: خداوند در اموال ثروتمندان برای فقرا حقی قرار داده که جز به ادای آن شایسته نخواهند بود.^۶

گاه حقی مانند حق همسایه، فقرا و اقوام نیز برعهده انسان می باشد که الزام آن از سوی خداوند نیست. قرآن کریم در ضمن آیات ۲۲ تا ۳۵ سوره معارج، که به بیان ویژگی های افراد مؤمن و شایسته می پردازد به این موضوع اشاره کرده، می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ فِيْ اَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ﴾ (معارج/۲۴). گرچه برخی از مفسران آن را به زکات^۷ تفسیر نموده اند، اما بعضی با الهام از روایات وارده از معصومان، منظور از این حق را چیزی غیر از صدقات واجب^۸، یا اعم از واجب و غیر آن^۹ برشمرده اند. علامه

۴. انفال/۴۱.

۵. انعام/۴۱.

۶. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۹۸ و ۴۹۹.

۷. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۱۲۴.

۸. فیض کاشانی، تفسیر الاصفی، ج ۲، ص ۱۳۵۲؛

تفسیر صافی، ج ۵، ص ۲۲۷؛ ناصر مکارم

شیرازی، الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل،

ج ۱۷، ص ۸۳.

۹. راوندی، فقه القرآن، ج ۱، ص ۲۲۰.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

۲. محمد جواد خلیلی، بعض اخبار امیر

المؤمنین علیه السلام فی الشوری و فی عهد عثمان،

ص ۳۰۲.

۳. بنگرید به: الخصال، ۵۶۵.

برای اثبات این که منظور غیر از زکات واجب است، می‌فرماید این آیه مکی است، در حالی که زکات در مدینه تشریح شد^۱. در روایات^۲ نیز بر این نکته تأکید شده است. امام صادق علیه السلام با استناد به آیه قرآن، آن را مطرح می‌نماید و می‌فرماید: «... خداوند در مال اغنیا، حقوقی غیر از زکات را وضع نموده و فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ﴾. سپس حضرت به ماهیت آن اشاره نموده، اظهار می‌دارد که «فالحقّ المعلوم من غیر الزکاة» و می‌فرماید: این حق چیزی است که انسان به صورت داوطلبانه بر خود واجب می‌کند که به مقدار توان خود روزانه، هفتگی یا ماهانه پرداخت نماید...»^۳.

روایات متعدد دیگری نیز بدین مضمون وجود دارد^۴.

در مورد اصلاح الگوی مصرف جامعه، توجه به این موارد نیز ضروری است؛ زیرا اصلاح الگوی مصرف تنها به معنی مصرف

کم نیست، بلکه معنایی وسیع‌تر دارد و از جمله آن‌ها همین توجه به حقوق دیگران و یا رعایت حدود الهی و مصرف بجا می‌باشد. و نیز منظور از مصرف فقط مصرف کالای اقتصادی نیست، بلکه سرمایه‌های مادی و معنوی فرد و جامعه را نیز دربر می‌گیرد.

آثار رعایت حقوق دیگران

توجه به حقوق دیگران و رعایت آن آثار مثبتی بر جای می‌گذارد که از جهات مختلفی به تکامل فرد و جامعه می‌انجامد:

۱. آثار فردی

رعایت حقوق دیگران برای خود فرد نیز آثار مثبتی را به دنبال دارد که مهم‌ترین آن‌ها در این جا بیان می‌شود:

الف) رابطه رعایت حقوق با ایمان

ادای این حق به ویژه در صورتی که دارای انگیزه معنوی باشد، موجب افزایش ارتباط با خدا می‌شود و به رشد معنوی انسان کمک می‌کند. قرآن کریم ادای حقوق دیگران را در کنار ایمان به روز جزا و به پا داشتن نماز، از ویژگی‌های مؤمنان برمی‌شمارد، همان کسانی که در روز جزا

۱. علامه حلی، تذکرة الفقهاء، ج ۲، ص ۱۵۲.

۲. بنگرید به: الکافی، ج ۳، ص ۴۹۹؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۸؛ ابن شعبه، تحف العقول، ص ۵۱۴.

۳. الکافی، ج ۳، ص ۴۹۸ و ۴۹۹.

۴. همان.

از عذاب آتش در امان هستند.^۱ از دیدگاه روایات اسلامی نیز رعایت این حقوق که از جمله آن‌ها انفاق است جزئی از حقیقت ایمان است.^۲ امیرمؤمنان (علیه السلام) درباره کسی که در هزینه کردن بجا مبسوط الید باشد، می‌فرماید: خداوند در آخرت ثواب دو چندان به او خواهد داد.^۳

غلبه می‌کند. از روایتی که پیامبر اکرم درباره آیه شریفه ﴿وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (حشر/۵۹) بیان فرمود، چنین برداشت می‌شود که خداوند به خاطر این که قوم لوط از انفاق منع می‌کردند، آن‌ها را به صفت بخل مبتلا نمود.^۴

ب) رابطه رعایت حقوق با تضعیف صفات رذیله

توجه به حقوق دیگران و به ویژه حقوق مستحبی مثل انفاقات مستحب، سبب می‌شود که صفات رذیله از قبیل بخل، حرص و دنیا پرستی در انسان تضعیف گردد. از عوامل بخل، حب شدید دنیا و ترس از فقر و سوء ظن به خداوند است که انفاق ریشه تمام آن‌ها را می‌خشکاند و در نتیجه بخل هم کاهش می‌یابد؛ زیرا در اثر تداوم بر پرداخت صدقات، جود و کرم عادت انسان می‌شود و به تدریج بر حالت بخل که عامل حرص بر جمع‌آوری مال است

امام کاظم (علیه السلام) می‌فرماید: «لیس بالبخیل من أذى الزكاة المفروضة من ماله...»؛^۵ یعنی کسی که حقوق تعیین شده در اموال خود را پرداخت می‌نماید بخیل نیست.

ج) رابطه رعایت حقوق با ذخیره اخروی

از دیدگاه آیات قرآن و روایات ائمه (علیهم السلام) آنچه را که انسان به دیگران می‌پردازد، روز قیامت چندین برابر آن را دریافت می‌کند و از آن بهره‌مند می‌شود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (بقره/۲۷۴).

مفسران و محدثان در شأن نزول این آیه روایتی از پیامبر نقل می‌کنند که در مورد

۱. معراج/۲۲-۲۶.

۲. الخصال، ص ۱۲۵؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۰.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۴۲.

۴. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۳۰.

۵. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۶.

علی علیه السلام است.^۱ پس طبیعتاً او که مظهر تقوا و امیر پارسایان است می‌تواند به عنوان بهترین الگو مطرح گردد.

د) رابطه رعایت حقوق با افزایش و روزی

انفاقات و صدقات نه تنها موجب کاهش سرمایه پرداخت کنندگان نمی‌شود، بلکه با تأثیرگذاری در عالم آفرینش، بر سرمایه آنان افزوده می‌گردد. قرآن در این باره می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره/۲۶۱)؛ مثل آنان که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند مثل دانه‌ای است که از آن هفت خوشه برآید و در هرصد دانه شکل گیرد و خداوند اموال هر کس را بخواهد چندین برابر کند.

مفسران در مورد آیه: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً» (بقره/۲۴۵) می‌گویند اثر قرض دادن، پاداش گرفتن در همین جهان است و به فرمایش امیرمؤمنان علیه السلام: «من يعط باليد

القصيرة يعط باليد الطويلة»؛ هرکس مقدار کمی را در راه خداوند بپردازد، به او با دست پر پاداش داده می‌شود.

از دیگر سو ادا نکردن حق دیگران نیز آثار زیانباری به دنبال دارد، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «ومن حبس عن أخيه المسلم شيئاً من حقه حرم الله عليه بركة الرزق، إلا أن يتوب.»^۳ این حقیقت در روایات دیگری نیز تجلی یافته است.^۴

۲. آثار اجتماعی

رعایت حقوق واجب و غیر واجب دیگران دارای آثار اجتماعی ارزشمندی برای جامعه اسلامی است.

الف) الفت قلبها

از جمله آن‌ها، نزدیک شدن دل مؤمنان به یکدیگر است. افراد نیازمند احساس می‌کنند که ثروتمندان به مشکلات آن‌ها نیز توجه دارند و در راه حل آن‌ها تلاش می‌کنند، در نتیجه احساس وجود فاصله و جدایی آن‌ها از یکدیگر کاهش یافته، رابطه

۲. مازندرانی، شرح أصول الكافي، ج ۱، ص ۱۷۸ و ۱۷۹.

۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۵.

۴. بنگرید به: الكافي، ج ۴، ص ۴۲.

۱. بنگرید به: صدوق، عيون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۶۷.

آن‌ها صمیمی می‌شود. از طرفی ثروتمندی که با اعتقاد و این نگاه که کمک وی به نیازمندان موجب برکت برای او و ذخیره اخروی است، از انجام این کار خرسند می‌شود و مستمندان را عامل سعادت برای آینده خود می‌بیند و آن‌ها را دوست می‌دارد، چنان که قرآن می‌فرماید: «آنان که بدون منت و اذیت انفاق می‌کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان محفوظ است.»^۱

شاید این که در قرآن کریم تصریح شده که آشکارا صدقه دادن خوب است، با این که همواره اسلام بر اخلاص و دوری از ریا تأکید دارد، با هدف تحقق همین آثار اجتماعی صدقه باشد. علامه طباطبایی در این‌باره می‌فرماید: «... این که افراد مستمند می‌بینند افرادی در جامعه نگران حال آن‌ها هستند و برای برآوردن نیاز آنان نیز اموالی وجود دارد، موجب از بین رفتن یأس و نومیدی و پیدایش نشاط در آنان و عامل ایجاد وحدت عقیده میان آنان و ثروتمندان است.»^۲

ب) افزایش امنیت اجتماعی

از دیگر آثار رعایت حقوق مالی دیگران

این است که سبب می‌شود در ماندگان به جرایم اجتماعی از قبیل سرقت که در بسیاری از جوامع دیگر در اثر نیاز شدید رخ می‌دهد، دست نزنند که در نتیجه امنیت اجتماعی افزایش می‌یابد. لذا حضرت امیر علیه السلام می‌فرماید: «به وسیله دادن زکات، اموال خود را محافظت کنید.»^۳

مفسران در تفسیر آیه شریفه ﴿وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾ (بقره/۱۹۵) به این نکته اشاره می‌کنند که گرچه این آیه در مورد جهاد نازل شده، اما چه بسا در مقام ترسیم یک اصل کلی و هشدار به جامعه نسبت به پیامدهای آن باشد. این اصل، رابطه انفاق با برقراری امنیت اجتماعی یا ترک انفاق با بروز آشوب، ناامنی و در نتیجه در معرض هلاکت قرار گرفتن جامعه می‌باشد؛ زیرا عده‌ای محروم که در جامعه هستند و در اداره امور زندگی خود با مشکل روبه‌رو می‌شوند، ممکن است به آشوب و انقلاب دست زده و اساساً جامعه را در معرض هلاکت قرار دهند.^۴

براین اساس امام صادق علیه السلام اثر رعایت این

۱. بقره/۲۶۴.

۲. ﴿إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَبِعَمَاءٍ﴾، بقره/۲۷۱.

۳. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۳۹۷.

۴. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴.

۵. الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۲، ص ۳۷.

حقوق را پیشگیری از وقوع جرایمی دیگر نیز می‌داند و می‌فرماید: «ولو أن الناس أدوا زكاة أموالهم ما بقي مسلم فقيراً محتاجاً... وإن الناس ما افتقروا، ولا احتاجوا، ولا جاعوا، ولا عروا إلا بذنوب الأغنياء»^۱.

از طرفی می‌توان گفت: وجود امنیت در جامعه، به نوبه خود گرایش بیش‌تر ثروتمندان را به سرمایه‌گذاری و در نتیجه رشد اقتصادی کشور را به دنبال دارد که در سایه‌سار آن ثروتمند سرمایه‌گذار، جامعه و نیز مستمندان بهره‌مند می‌شوند.

ج) پایداری نظام اجتماعی

از آثار بسیار مهم رعایت حقوق دیگران پایداری نظام اجتماعی، حاکمیت و ادامه حیات اجتماعی جامعه است. در حقیقت جامعه‌ای می‌تواند به زندگی خود ادامه دهد که حقوق شهروندان آن محترم شمرده شده، به آن تعرضی روا داشته نشود. در این صورت است که احتمال آشوب و دست‌اندازی به اموال خصوصی مردم و اموال عمومی منتفی می‌شود و دست‌اندرکاران می‌توانند برای رفاه جامعه و توسعه و تحول آن برنامه‌ریزی نمایند.

امیرمؤمنان علیه السلام در سخنی می‌فرماید: «فإذا أدت الرعية إلى الوالی حقه، وأدى الوالی إليها حقه، عز الحق بينهم، وقامت مناهج الدين، واعتدلت معالم العدل وجرت على أذلالها السنن، فصلح بذلك الزمان وطمع في بقاء الدولة ويئست مطامع الأعداء»^۲؛ آن‌گاه که مردم حق رهبری را ادا نموده و حاکم نیز حق مردم را، حق در جامعه عزت یابد، راه‌های دین پدیدار و نشانه‌های عدالت برقرار گردد. در این صورت سنت پیامبر پدیدار گشته، روزگار اصلاح شود، در تداوم حکومت امیدواری تجلی نماید و دشمنان نومید گردند.

۳. آثار اقتصادی

الف) رفع نیاز اقتصادی نیازمندان

توجه به نیاز اقتصادی نیازمندان همواره از ضروریات یک جامعه از جمله جامعه اسلامی است. در اسلام به این موضوع اهمیت زیادی داده شده و پرداخت حقوقی همچون خمس، زکات، زکات فطره، انفاقات و صدقات مستحبی و نذورات و اوقاف با این هدف تشریح شده و بر ادای آن‌ها الزام شده است. اهمیت این حقوق تا

۱. همان، ج ۶، ص ۹۸.

۲. نهج البلاغه، خطبة ۲۱۶.

جایی است که در قرآن کریم هرگاه سخن از نماز و جایگاه ارتباط با خداست در کنار آن بلا فاصله از زکات و پرداخت حقوق نیز سخن به میان آمده گو این که این دو لازم و ملزوم یکدیگر هستند.^۱ اگر همه ثروتمندان جامعه تنها حقوق مالی را که بر آنها لازم است از قبیل خمس و زکات بردارند، فقر از جامعه رخت برمی بندد. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «ولو أن الناس أدوا حقوقهم لكانوا عايشين بخير»؛^۲ اگر مردم حقوقی را که وظیفه آنهاست بردارند به خوبی می توانند زندگی نمایند.

ب) تأمین امنیت سرمایه داران

چنان که یاد شد، ادای حقوق برای ثروتمندان نیز دارای اثر اقتصادی است؛ زیرا در صورت پرداخت این حقوق مالی، آنها از تعرض ناشی از نیاز درماندگان در امان خواهند بود. چنانچه این حقوق پرداخت نشود، فاصله طبقاتی افزایش

۱. بنگرید به: بقره/۴۳، ۸۳، ۱۱۰، ۱۷۷ و ۲۷۷، نساء/۷۷ و ۱۶۲، مائده/۱۲، ۵۵، توبه/۵، ۱۱، ۱۸ و ۷۱، انبیاء/۷۳، حج/۴۱، ۷۸ و ...
۲. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴، باب ۱ از ابواب زکات، ح ۱۱ و ۱۲.

می یابد، نیازمندان در گذران امور زندگی خود دچار مشکل می شوند و چه بسا این درماندگی خود عامل جرایم اقتصادی و گاه کیفری می گردد؛ زیرا انسان درمانده برای تأمین زندگی خود ممکن است به هر کاری از جمله سرقت و حتی جنایات دیگر مانند قتل دست بزند.

اما اگر فقیران و مستمندان در هر جامعه ای به مقدار نیازشان مورد توجه قرار گیرند، و حقوق آنان پرداخت گردد، احتمال ارتکاب جرایم از سوی آنها کاهش می یابد و در چنین شرایطی سرمایه دار می تواند اموال خود را در جامعه سرمایه گذاری کرده، خود و جامعه از آن بهره مند گردند. براین اساس است که امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «حصّوا اموالکم بالزکاة»؛^۳ اموال خود را با پرداخت زکات بیمه و حفظ نمایید.

ج) رشد اقتصادی جامعه

رشد اقتصادی جامعه در آموزه های دینی مورد تأیید قرار گرفته و از آیات و روایات مختلف قابل استفاده است؛ از جمله آیات مربوط به حج^۴ که در بیان

۳. همان، ج ۶، ص ۶، باب ۱ از ابواب زکات و نیز باب ۳، ۴ و ۵.

۴. «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ»

←

فلسفه آن کسب سود مطرح شده و شامل سود مادی و معنوی است، آیه نفی سبیل^۱، آیه عزت مسلمانان^۲، آیه لزوم تأمین امکانات دفاعی در مقابل دشمن^۳، و روایات متعددی مثل آنچه درباره ارزش کار و سود و سرمایه^۴، ضرورت تلاش با هدف بی‌نیازی از مردم^۵ و نهی از وارد کردن کالای مصرفی^۶ و... وارد شده است، به روشنی بر این نکته دلالت دارند^۷. این رشد اقتصادی البته پیش‌نیازهایی دارد که حاکمیت باید آن‌ها را تأمین نماید؛ از جمله ایجاد انگیزه سرمایه‌گذاری و

فعالیت اقتصادی در میان مردم، فراهم کردن امکانات تولید و سرمایه‌گذاری و نیز تدوین قوانین مناسب و تأمین امنیت لازم برای فعالیت سالم اقتصادی است. در این صورت افراد می‌توانند با خاطری آسوده و با انگیزه کافی سرمایه‌گذاری نمایند و از سود حاصل از آن، هم شخص سرمایه‌گذار و هم دولت و فقرا از طریق اخذ مالیات و زکات و سایر حقوق بهره‌مند شوند. راه‌ها، مدارس، مساجد و سایر مظاهر پیشرفت و تمدن نیز آسان‌تر ساخته می‌شوند، که نتیجه مستقیم آن تأمین امنیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بیش‌تر برای جامعه است.

نتیجه

از آنچه یاد شد این نتیجه به دست می‌آید که برای اصلاح الگوی مصرف، آن‌گونه که درخور یک جامعه دینی توانا، پویا و ثروتمند باشد، در کنار سایر عوامل مورد نیاز، باید به رعایت حقوق دیگران در ابعاد مختلف آن توجه گردد. حقوق خداوند، حاکمیت، ملت و تک‌تک افراد جامعه از احترام برخوردار است و توجه به آن‌ها زمینه‌ساز نهادینه شدن جامعه‌ای با ثبات، پر از عدل، پویا و غنی خواهد بود.

- یاتین من کل فج عمیق * ليشهدوا منافع لهم ﴿ (حج/ ۲۷ و ۲۸).
 ۱. ﴿ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً﴾ (نساء/ ۱۴۱).
 ۲. ﴿و لله العزة و لرسوله و للمؤمنين و لكن المنافقين لا يعلمون﴾ (منافقون/ ۸).
 ۳. ﴿واعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخيل ترهبون به عدو الله و عدوكم﴾ (انفال/ ۶).
 ۴. بنگرید به: الکافی، ج ۵، ص ۱۰ و ۷۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۲.
 ۵. «تعرضوا للتجارة، فإن فيها غنى لكم عما فی أیدی الناس»؛ الکافی، ج ۵، ص ۱۴۹.
 ۶. امیرمؤمنان می‌فرماید: «لا تزال هذه الأمة بخير ما لم يلبسوا لباس العجم و يطعموا أطعمة العجم، فإذا فعلوا ذلك ضربهم الله بالذل» برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۴۱۰.
 ۷. برای اطلاع بیشتر بنگرید به: محمد امامی، قرآن و اقتصاد، «نفی سلطه اقتصادی بیگانه...» و نیز همو، «ارزش کار و نفی اصالت سود».

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
 ۲. نهج البلاغه، تحقیق و شرح محمد عبده، قم، النهضة، ۱۳۷۰ ش.
 ۳. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، دفتر نشر مصطفی، ۱۳۷۹ ش.
 ۴. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تحقیق السيد جلال الدين الحسيني، دار الكتب الاسلاميه.
 ۵. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد بن منصور، دعائم الاسلام، دار المعارف، ۱۹۶۳ م.
 ۶. جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۷ ش.
 ۷. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، تحقیق، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۴ ق.
 ۸. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، تذکره الفقهاء، تحقیق مؤسسه آل البيت للإحياء التراث، قم، ۱۴۱۴ ق.
 ۹. خلیلی، محمد جواد، بعض أخبار أمير المؤمنين عليه السلام في الشورى وفي عهد عثمان، مركز المصطفى عليه السلام.
 ۱۰. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، چاپ سیروس، ۱۳۳۶ ش.
 ۱۱. راغب اصفهانی، ابو القاسم حسین بن محمد، مفردات غریب القرآن، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ق.
 ۱۲. راوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله، فقه القرآن، تحقیق سيد احمد حسینی، قم، مطبعة
- الولاية، ۱۴۰۵ ق.
۱۳. ری شهری، محمد، میزان الحکمة، تهران، دار الحديث.
 ۱۴. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، منشورات دار مكتبة الحياة.
 ۱۵. صدوق، محمد بن علی بن حسین بابویه، علل الشرايع، تحقیق سيد محمد صادق بحر العلوم، نجف، منشورات مكتبة الحيدريه، ۱۳۸۵ ق.
 ۱۶. عیون اخبار الرضا، تصحیح حسین اعلمی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۸۴ م.
 ۱۷. الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، منشورات جامعة المدرسين، ۱۳۶۲ ش.
 ۱۸. من لا يحضره الفقيه، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسين، ۱۴۰۴ ق.
 ۱۹. طباطبائی، سيد محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، چاپ سوم: بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۷۲ ش.
 ۲۰. طبرسی، جعفر بن محمد بن حسن، تفسير مجمع البيان.
 ۲۱. طوسی، محمد بن حسن، التبيان في تفسير القرآن، مكتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ ق.
 ۲۲. عسکری، ابو هلال، الفروق اللغوية، تحقیق مؤسسه النشر الإسلامی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۲ ق.
 ۲۳. فاضل هندی، محمد بن حسن، كشف اللثام، تحقیق مؤسسه النشر الإسلامی، قم، مؤسسه

- النشر الإسلامى، ١٤١٦ق.
٢٤. فتح الله، احمد، معجم الفاظ الفقه الجعفرى، ١٤١٥ق.
٢٥. فراهيدى، خليل بن احمد، كتاب العين، تحقيق الدكتور مهدي المخزومى، مؤسسة الهجرة، ١٤٠٩ق.
٢٦. فيض كاشانى، مولى محمد محسن، الاصفى فى تفسير القرآن، قم، مكتب الاعلام الاسلامى، ١٣٧٦ش.
٢٧. تفسير الصافى، چاپ دوم: قم، مؤسسه الهادى، ١٤١٠ق.
٢٨. قلعبجى، محمد، معجم لغة الفقهاء، چاپ دوم: رياض، دار النفائس، ١٤٠٨ق.
٢٩. مازندراني، مولى محمد صالح، شرح أصول الكافى، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٢١ق.
٣٠. متقى هندى، علاء الدين على بن حسام الدين، كنز العمال، بيروت، مؤسسة الرسالة.
٣١. مكارم شيرازى، ناصر، الامثل فى تفسير كتاب الله المنزل.
٣٢. تفسير نمونه، چاپ چهل ويكم: تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٨٤ش.
٣٣. طباطبايى يزدى، سيد محمد كاظم، حاشية المكاسب، قم، مؤسسه اسماعيليان، ١٣٧٨ش.
٣٤. نورى، ميرزا حسين، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقيق مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، قم، مؤسسه آل البيت، ١٤٠٨ق.
35. David. B& Others, *Webster's New World Dictionary*, New York, Prentice Hall Press, 1986.